عنوان:

خوف از خدا

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-250 |
| رده | تزکیه‌ای/رذائل و فضائل/فضائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، فضائل، خوف، خدا، حضور، امام خمینی |
| توضیحات |  |

بدان كه خوف از حق تعالى يكى از منازلى است كه كمتر منزلى را براى عامه توان به پايه آن دانست. و اين خوف علاوه بر آنكه خود يكى از كمالات معنويه است، منشأ بسيارى از فضايل نفسانيّه و يكى از مصلحات مهمه نفس است، بلكه سرچشمه تمام اصلاحات و مبدأ علاج جميع امراض روحانى توان آن را شمرد. و انسان مؤمن به خدا و سالك و مهاجر إلى اللّه بايد به اين منزل خيلى اهميت دهد، و به چيزى كه آن را در دل زياد كند و ريشه آن را در قلب محكم كند خيلى توجه نمايد، مثل تذكر عذاب و عقاب و شدت عقبات موت و بعد از موت در برزخ و قيامت و اهوال صراط و ميزان و مناقشه در حساب و عذابهاى گوناگون جهنم، و تذكر عظمت و جلال و قهر و سلطنت حق، و تذكر استدراج و مكر اللّه و سوء عاقبت، و امثال آن. و چون ما در اين اوراق تمام اين مراحل را تا اندازه‏اى شرح داديم، در اين مقام به ذكر بعضى از اخبار در فضيلت خوف از خدا اكتفا مى‏كنيم:

محمّد بن يعقوب بإسناده عن إسحاق بن عمّار، قال قال أبو عبد اللّه عليه السّلام: يا إسحاق، خف اللّه كأنّك تراه، و إن كنت لا تراه فإنّه يراك. و إن كنت ترى أنّه لا يراك فقد كفرت، و إن كنت تعلم أنّه يراك ثمّ برزت له بالمعصية، فقد جعلته من أهون النّاظرين عليك (ن خ: إليك)[[1]](#footnote-1) «اسحاق گويد فرمود حضرت صادق عليه السلام: اى اسحاق، بترس از خداوند مثل آنكه او را مى‏بينى، و اگر تو او را نمى‏بينى، او تو را مى‏بيند. و اگر گمان كنى كه او تو را نمى‏بيند، كافر شوى. و اگر بدانى كه او تورا مى‏بيند و باز معصيت او كنى، او را قرار دادى از پست‏ترين نظر كنندگان به خودت.» بدان كه اگر كسى كيفيت تجلى حق را در ملك و ملكوت و ظهور ذات مقدس را در سماوات و ارضين به مشاهده حضوريه يا مكاشفه قلبيه يا به ايمان حقيقى بفهمد، و نسبت حق به خلق و خلق به حق را آن چنان كه هست بداند، و كيفيت ظهور مشيت الهيه را در تعينات و فناى آنها را در آن، على ما هو عليه، ادراك كند، خواهد دانست كه حق تعالى حضور در تمام امكنه و احياز دارد و او را مشاهده كند به علم حضورى در جميع موجودات. چنانچه حضرت صادق مصدّق عليه السّلام فرمايد: ما رأيت شيئا إلاّ و رأيت اللّه معه أو فيه.[[2]](#footnote-2) و در قرب نوافل حقيقت كنت سمعه و بصره و يده[[3]](#footnote-3) و غير ذلك بر او مكشوف گردد. پس حق را حاضر در تمام مراتب وجود ببيند به حسب مقام خود، علما يا ايمانا يا عينا و شهودا. و البته در اين رتبه، سالك به هر مرتبه كه هست حفظ حضور حق كند و از مخالفت آن ذات مقدس خوددارى نمايد، زيرا كه حفظ حضور و محضر از فطرت هايى است كه خلق بر آن مفطورند، و هر چه انسانى بی‌حيا باشد غيبت و حضورش با هم فرق دارد، خصوصا كه حضور منعم عظيم كامل باشد كه در فطرت حفظ حضور هر يك مستقلا ثبت است.

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

1. - اصول كافى، ج 2، ص 68،« كتاب ايمان و كفر»،« باب الخوف و الرجاء»، حديث 2 [↑](#footnote-ref-1)
2. - حديث 28- پاورقى 12 [↑](#footnote-ref-2)
3. - «من گوش و چشم و دست او شوم.» اصول كافى، ج 2، ص 352، «كتاب ايمان و كفر»، «باب من أذى المسلمين»، حديث 8 [↑](#footnote-ref-3)